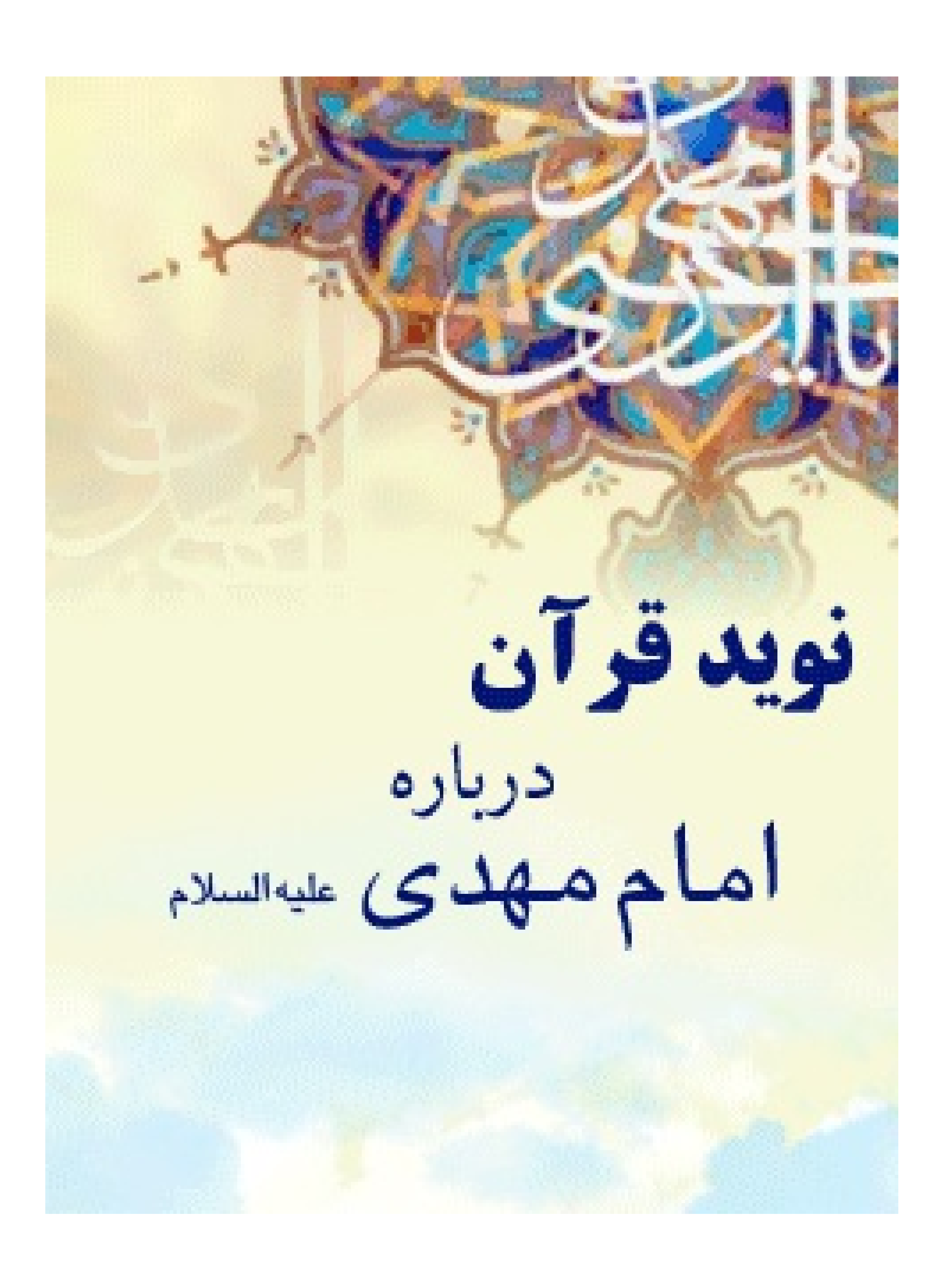


نوید قرآن
درباره
امام مهدی علیه السلام


بسم الله الرحمن الرحیم

نوید قرآن درباره امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

نسخه خطی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نوید قرآن درباره ی امام مهدی علیه السلام

مشخصات کتاب

نویسنده : جمعی از نویسندگان - برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی، مرحوم آیه الله سید رضا صدر و حجه الاسلام محمد محمدی اشتهاردی

ناشر : نسخه خطی

مقدمه

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی

*****

مهدی علیه السلام در قرآن

قرآن کتاب پرشکوه خداست.

کتابی است که نه کتابهای آسمانی پیشین آن را خدشه دار و باطل می سازد و نه واقعیت های آینده.(۶۲)

بیانگر هر چیزی است (۶۳) و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در (این) کتاب روشن و روشنگر آمده است.(۶۴)

در این کتاب از هیچ چیز فروگذار نشده (۶۵)... آخرین پیام آسمان به زمین و زمان است همانگونه که اسلام، آخرین دین آسمانی و آخرین برنامه زندگی است.

با این وصف، آیا براستی می توان فکر کرد که قرآن در مورد این رخداد بزرگ، که عمیق ترین و وسیعترین دگرگونی حیات انسان شناخته می شود ساکت باشد؟

و در مورد آن بدون نوید و پیام؟

این قرآنی که از چیرگی «روم» بر «ایران» و از برپایی دولت غاصب و پوشالی یهود، بر اساس سازش با قدرتهای مسلط روزگار خبر می دهد.(۶۶)

این قرآنی که از آن «یاجوج» و «مأجوج» و سرانجام آینده آنها خبر می دهد، این قرآنی که از امکان گذشتن از جو و راهیابی انسان به کرات آسمانی گزارش می کند و می فرماید:

«یامَعْشَرَ الجِنّ ِو الانسِ إنِ استَطعْتُمْ أَن تَنفُذُوا مِنْ أَقْطارِ السمَواتِ وَ الأَرْضِ فَانفُذُوا لا تَنفُذُونَ إلا بِسلْطانٍ...» (۶۷)

یعنی: هان ای گروه جن و انس! اگر می توانیـد که از کرانه های آسـمانها و زمین بیرون رویـد، بیرون بروید اما بیرون نخواهید رفت مگر با داشتن قدرت علمی

و صنعتی...

آیـا فکر می کنیـد چنین کتابی از ظهور اصـلاح گر بزرگ تاریـخ انسانیت و بنیاد حکومت جهان گستر و عادلانه او، خبر نمی دهد و در مورد آن ساکت است؟

هرگز چین نیست...

قرن از امام مهـدی علیه السـلام و برپایی حکومت مهر و عـدل او، در موارد متعـدد و آیات بسـیاری سـخن گفته است و از این حقیقت بزرگ خبر داده است.

و این آیات بر شخصیت گرانمایه آن حضرت و ظهور او تأویل گردیده است. همانگونه که امامان نور علیه السلام که قرآن در خانه آنان فرود آمده است، بدین واقعیت تصـریح کرده اند و می دانیم که صاحبان معصوم و مطهر و راستگوی خانه یعنی اهل بیت پیامبر به آنچه در خانه است، داناتر و آگاه ترند.

نمونه های نوید قرآن درباره امام مهدی علیه السلام:

اشاره

برگرفته از آثار آیه الله سید محمد کاظم قزوینی

۱– وارثان زمین

۱ قرآن در نویدی می فرماید:

«وَ نُرِیـدُ أَن نّمُنّ عَلی الّـذِینَ استُضـعِفُوا فی الأَـرْضِ وَ نجْعَلَهُمْ أَئمّهً وَ نجْعَلَهُمُ الْوَرِثِینَ * وَ نُمَکِّنَ لهُمْ فی الأَرْضِ وَ نُرِی فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُم مّا کانُوا یحْذَرُونَ.» (۶۸)

یعنی: و ما اراده کردیم به کسانی که در روی زمین تضعیف شده اند نعمتی گران، ارزانی داریم و آنان را پیشوایان (راستین) و آنان را وارثان گردانیم.

و به آنـان در زمین اقتـدار و منزلتی شایسـته دهیم و از آنان به فرعون و ماهان و سـپاهیانشان چیزی را که از آن می هراسـیدند، نشان دهیم.

امیر مؤمنان علیه السـلام در تأویل این آیه شـریفه می فرماید: «دنیا پس از چموشـی و سرکشـی، بسان شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و آن را برای بچه اش نگه می دارد، به ما روی خواهد آورد.»(۶۹)

سپس به تلاوت این آیه شریفه پرداخت که:

«وَ نُرِيدُ أَن نَّمُنّ عَلى الّذِينَ استُضعِفُوا فى الأَرْضِ وَ نجْعَلَهُمْ أَئمّةً وَ نجْعَلَهُمُ الْوَرِثِينَ...»

«ابن ابی الحدید» در این مورد می نویسد: «بزرگان دینی و همفکران ما با این واقعیت تصریح می کنند که این بیان امیرمؤمنان علیه السلام نوید از آمدن امام و پیشوای بزرگی است که فرمانروای زمین و زمان می گردد و همه کشورها در قلمرو قدرت او قرار می گیرند...»(۷۰)

آری! سخن امیرمؤمنان علیه السلام بیانگر آن است که دنیا پس از سختی و بیداد بسیار نسبت به خاندان پیامبر(ص) سرانجام بسوی آنان روی خواهد آورد. آنان بر کران تا کران گیتی حاکم و بر دشمنان کینه توز خویش پیروز می گردند. انبوه

مشکلاتی که بسان سنگها و صخره ها سر راه نهضت آسمانی عدالت خواهانه و مقدس آنان قرار درد همگی رام و کنار می رود و دنیا پس از سختی و بدرفتاری با آنان برایشان آسان و پس از تلخی و مرارتش شیرین و پس از سرکشی اش خاضع و پس از گردن فرازیش مطیع و منقاد آنان می گردد.

و نیز از امیرمؤمنان علیه السلام آورده اند که فرمود «مستضعفان یاد شده در قرآن کریم که خداوند اراده فرموده است آنان را پیشوای مردم روی زمین قرار دهد ما خاندان پیامبریم. خداوند سرانجام «مهدی» این خانواده را بر می انگیزد و بوسیله او، آنان را به اوج شکوه و عزت و اقتدار می رساند و دشمنانشان را به سختی، به ذلت می کشد.»(۷۱)

سخن کوتاه در تأویل آیات

اینک که سخن به تأویل آیات رسید مناسب است جهت آگاهی بیشتر شما خوانندگان گرامی، سخنی در این مورد ترسیم گردد.

تأویل

واژه شناسان «تأویل» را برگردانیدن واژه و سخن از معنای ظاهری به معنای حقیقی و باطنی آن، معنا کرده اند.(۷۲) تأویل و تعبیر خوابها نیز اینگونه است.

برای نمونه: حضرت یوسف علیه السلام در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه را می بیند که در برابر او سجده می کنند و آنگاه پس از سالهای طولانی که حضرت یعقوب و فرزندانش به مصر می روند، آن خواب و معنای حقیقی آن، روشن می گردد که قرآن می فرماید:

«... هَذَا تَأْوِیلُ رُویَایَ مِن قَبْلُ...» (۷۳)

هنگامی که آنان بر یوسف وارد شدند، پدر و مادرش را نزد خویشتن جای داد و گفت: «این است تعبیر آن خواب من که اینک پروردگارم آن

را تحقق بخشیده است.»

و درست همین بیان در تأویل و تعبیر خوابهایی است که «یوسف» در تأویل آنها می فرماید: «غذای روزانه شما را هنوز نیاورده باشند که من پیش از آن، شما را از تعبیر آن خوابها، چنانکه پروردگارم به من آموخته است، خبر دهم...»

امیرمؤمنان علیه السلام در روایت از پیامبر(ص) در مورد آموزش و فراگیری دانشش از آن حضرت می فرماید: «هیچ آیه ای نیست جز اینکه آن گرامی، معنای نهان و تأویل آن را به من آموخت.»(۷۴)

بازگشت به بحث

در آیه مورد بحث که ظاهر سخن از جنایات فرعون است قرآن به این واقعیت تصریح می کند که:

«... وَ نُرِيدُ أَن نّمُنّ عَلی الّذِينَ استُضعِفُوا فی الأَرْضِ وَ نجْعَلَهُمْ أَئمّةً وَ نجْعَلَهُمُ الْوَرِثِينَ.»

یعنی:... و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین نعمتی گران ارزانی داریم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم.

در اینجا معنای ظاهری این است که خداوند عزت و اقتدار بنی اسرائیل را به آنان باز پس می دهد و «فرعون» و «ماهان» و سپاهیانشان را به بوته هلاکت می سپارد.

اما معنای نهان آیه شریفه غیر از معنای ظاهری و روشن آن است. آن معنا این است که: مقصود از تضعیف شدگان در آیه شریفه، خاندان پیامبرند. مردم آنان را تضعیف نموده و بر آنان ستم کرده و آنان را به قتل رسانده و رانده و سخت ترین بیدادگری را در مورد آنان روا داشته اند.

پیامبر گرامی (ص) در تبیین این مطلب فرمود:

«انتم المستضعفون بعدی» (۷۵)

یعنی: شما تضعیف شدگان پس از من هستید.

و این واقعیت تاریخی که پیامبر از آن خبر داد، هیچ نیازی به اثبات ندارد.

تاریخ اسلامی

و روند آن، به صراحت و با رساترین صدای خویش گواهی می کند که مردم از همان روز رحلت پیامبر، خاندان او را با کمال تأسف مورد هجوم قرار دادند و آنان را بسختی تضعیف کردند.

اگر شما خواننده عزیز به کتابهایی نظیر «مقاتل الطالبین» مراجعه کنی، با انواع مصیبتها و رنجها و بیدادگری هایی روبرو می گردی که بر خاندان پیامبر باریده است، چرا که زورمندان و سلطه گران این نسل پاک و پاکیزه را بشدت تضعیف نمودند و آنچه دلهای لبریز از کینه و جاه طلبی شان خواست، در دشمنی با آنان انجام دادند و کار بجایی رسید که مردم دنیا پرست در راه تقرب به فرمانروایان و بدست آوردن دل آنان سرهای مقدس فرزندان پیامبر(ص) را به حاکمان هدیه بردند،(۷۶) همانگونه که «جعفر برمکی» و عنصری از این قماش چنین کردند...

و راستی چه تضعیفی از این بدتر و ظالمانه تر...؟!!!

اما اراده خدا بر آن قرار گرفت که بر این نسل پاک و مظلوم تاریخ و بر رهروان راه و پیروان ستمدیده آنان، که همواره زیر فشار و سرکوب و تحقیر و ذلت قرار داشته و از ساده ترین حقوق بشری نیز محروم هستند و زورمندان آزادی و کرامت آنان را پایمال ساخته اند، تفضیل فرموده و حکومت و فرمانروایی زمین و زمان را بر آنان ارزانی دارد. حکومت و اقتداری که مرزهای آن دو اقیانوس منجمد شمالی و جنوبی باشد و همه مناطق گوناگون و محیطهای بهم پیوسته میان این دو را شامل گردد. حکومت منحصر به فرد و بی نظیری که بدون هیچ مزاحم و رقیب و مخربی حکم راند و از

اقتدار و نیروی کامل و کارآیی و خلاقیت بی نظیری برای اداره شایسته خانواده بزرگ بشری برخوردار باشد و زمین و زمان و دلها را آباد سازد که در این مورد بزودی بحث خواهیم کرد...

نکته دیگر

در پایان بحث، در مورد آیه ۴ و ۵ از سوره مبارکه قصص، نکته دیگری نیز شایسته طرح است و آن اینکه:

ممکن است این تأویل و معنای نهان آن از آیه شریفه که امامان نور علیهم السلام آن را آشکار ساخته اند از ظاهر آیه نیز دریافت گردد، چرا که در صدر آیه ۵، دو واژه «نرید» و «نمن» بصورت مضارع که از آینده خبر می دهد، بکار رفته است.

از آنجایی که این آیات پس از گذشت هزار سال از عصر «موسی» بر قلب مصفای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده است می توان گفت که: اگر در مورد بنی اسرئیل بود می توانست بصورت ماضی که از گذشته پیام دارد، نازل گردد، اینگونه: «واردنا ان نمن» و یا اینگونه: «مننا علی الذین استضعفوا» همانگونه که در دیگر آیات قرآن بصورت ماضی بکار رفته است.

برای نمونه:

۱ «لَقَدْ مَنّ اللّهُ عَلی الْمُؤْمِنِینَ...»(۷۷)

۲ «...فَمَنّ اللّهُ عَلَیْکمْ...»(۷۸)

۳ «وَ لَقَدْ مَنَنّا عَلَیْک مَرّةً أُخْرَی»(۷۹)

۴ «وَ لَقَدْ مَنَنّا عَلی مُوسی وَ هارُونَ» (۸۰)

خداوند در همه این آیات، واژه مورد نظر را به صورت ماضی به کار برده است، اما در آیه مورد بحث بصورت مستقبل «و نرید ان نمن»

آیا خود این نکته، نشانگر این واقعیت نمی تواند باشد که معنای نهان و تأویل آیه شریفه را از ظاهر و تفسیر آن نیز می توان دریافت؟

در آیه بعد نیز همین گونه است: «و

نری فرعون و هامان...»

و جای این سؤال که چرا نفرمود: «و اءورینا فرعون و هامان؟»

و نیز در واژه های: «نرید» و «نجعلهم» و باز «نمکن» و «نری»(۸۱) این واژه های ششگانه بصورت مستقبل آمده اند و نه ماضی، در صورتی که می توانست ماضی باشند.

یک سؤال:

ممکن است این سؤال طرح گردد که: «فرعون» و «هامان» و سپاهیانشان، هزار سال پیش از نزول قرآن نابود شده اند با این وصف، چگونه می توان آیه مورد بحث را به واپسین حرکت تاریخ و آینده جهان تأویل نمود؟

پاسخ:

پاسخ این است که واژه «فرعون» در فرهنگ دین و دین شناسان، به مفهوم خودکامگی و بیدادگری و تجاوز و خود برتر بینی است و نام همه زمامداران خودکامه و خودپرست و تجاوز کار، «فرعون» می باشد، چرا که هر عصر و زمانی را «فرعونی» خواهد بود و هر جامعه و امتی را فرعونها.

از دو امام گرانقدر حضرت باقر و صادق علیهماالسلام در تأویل آیه مورد بحث روایت کرده اند که: «در این آیه شریفه، منظور از «فرعون» و «هامان» دو عنصر خودکامه از قریش اند. خداوند آن دو را به هنگام ظهور مهدی علیه السلام زنده می کند و از آنان به خاطر آنچه مرتکب شدند بازخواست می نماید و آنان را به کیفر جنایتشان می رساند. و منظور از سپاهیان آن دو نیز، پیروان این دو عنصر خودکامه اند، همانانی که با آن دو همکاری کردند و بر خط آنان گام سپردند و نام آنان را سر زبانها انداختند.»(۸۲)

۲- وعده خدا

و نیز خداوند در قرآن کریم اینگونه از آن حضرت نوید می دهد:

«وَعَدَ اللّهُ الّذِینَ ءَامَنُوا مِنکمْ وَ عَمِلُوا الصالِحاتِ

لَیَستَخْلِفَنّهُمْ فی الأرْضِ کمَا استَخْلَف الّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکَنَنّ لهُمْ دِینهُمُ الّذِی ارْتَضی لهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنی لا یُشرِکُونَ بی شیْئاً وَ مَن کفَرَ بَعْدَ ذَلِك فَأُولَئك هُمُ الْفاسِقُونَ...» (۸۳)

یعنی: خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که آنان را در روی زمین جانشین دیگران سازد همانگونه که مردمی را که پیش از آنان بودند جانشین دیگران کرد و دینشان را که خود برایشان پسندیده است استوار سازد و وحشتشان را به امنیت تبدیل کند، تا تنها مرا بپرستند و چیزی را با من شریک نگیرند. و آنان که از آن پس، راه کفر و ناسپاسی در پیش گیرند، نافرمانند.

این آیه شریفه از جمله آیاتی است که به آن حضرت تأویل شده است.

معنای آشکار و ظاهر آیه این است که، خداوند:

۱ آفریدگار توانای هستی به مؤمنان و شایسته کرداران این امت وعده داده است که آنان را جانشین دیگران سازد...

طبیعی است که انسان بر روی همین سیاره خاکی زندگی می کند و آیه ناظر بر همین زمین است و بیانگر این واقعیت است که خداوند، سرزمین و امکانات کفر پیشگان جهان را به این شایسته کرداران با ایمان می دهد، و بدانان شرایط و امکاناتی می بخشد که در زمین با قدرت و عدل و داد فرمانروایی کنند، همانگونه که در گذشته نیز برخی از دوستانش را جانشین دشمنانش ساخته است.

۲ و نیز به آنان وعده داده است که قدرت و نیرو و امکاناتی به آنان ارزانی دارد که دین مورد پسند او را در همه عرصه های زندگی پیاده

کننـد و شـرایط وحشت بار و هراس انگیز اجتماعی و روانی خویش را به امنیت و آرامش تبـدیل سازند، به گونه ای که جز از خـدا و عـدالت نهراسـند و هیـچ قـدرت مـدار و زورمنـدی نتوانـد بر آنان، شاخ و شانه بکشـد. خدای را بدون ترس و هراس و بصورت آشکار بپرستند و ندای حق و عدالت را به روشنی و با صدای رسا، طنین افکن سازند.

کوتاه سـخن این که: با نگرش به ظاهر این آیه، خداونـد به مؤمنان و شایسـته کرداران این امت، نوید جامعه ای را می دهد که از هر پلیدی و ناپاکی پیراسـته است و به تمامی ارزشها و قداستها و فضیلتها و شایستگی ها آراسته است، این معنای ظاهری این آیه شریفه.

این وعـده شـکوهمند خـدا که سه بـار بـا «لام قسم» مورد تأکیـد قرار گرفته است و سه بار با «نون تأکیـد»، تاکنون تحقق نیافته است.

چه زمانی مردم با ایمان و شایسـته کردار توانسـتند با اقتـدار، حکومت مهر و عـدل خویش را در سراسـر جهان برپا دارنـد و در کمال آزادی و بدون ترس و دلهره مقررات عادلانه و جانبخش قرآن را در عرصه های حیات، پیاده نمایند؟

این مؤمنان شایسته کرداری که خداوند در آیه مورد بحث این وعده روح بخش را به آنان می دهد چه کسانی هستند؟

اگر شـما خواننـده عزیز بـه تاریـخ اسـلام و مسـلمانان از همـان آغـاز درخشـش انـوار نـورانی وحی تـاکنون، مراجعه کنیـد، به شایسـتگی در خواهید یافت که این وعده شـکوه بار خدا در ظرف این هزار چهارصد سال تحقق نیافته و این نوید بزرگ جامه عمل نپوشیده است.

من فکر نمی کنم که وجدان هیچ

مسلمان آگاه و با انصافی بپذیرد که منظور از مؤمنان شایسته کردار در این آیه «امویان» و «عباسیان» باشند، چرا که تاریخ مورد قبول امت اسـلام و ملل بیگانه، گواه است که «امویان» و «عباسیان» در حکومت سیاه و وحشتناک خود، سهمگین ترین جنایات را مرتکب شدنـد و خون پاک اولیای خـدا را به زمین ریختنـد، حرمت ها را هتک کردنـد و کاخهای ظلم و بیـدادشان لبریز از فسق و فجور و ضـد ارزش بود که اگر بخواهیم آن جنایتهـا را بطور دقیق شـرح دهیم کتـاب از اسـلوب و موضوع خود خـارج خواهد شد.

بعلاوه چه روزگاری براستی دین خـدا به تمکن و اقتدار مورد نظر این آیه مبارکه نائل آمد، تا نوید جهان گستر شدن آن تحق یافته باشد همانگونه که در آیه آمده است:

«وَ لَیُمَکِّنَنّ لَهُمْ دِینهُمُ الّذِی ارْتَضی لَهُمْ...»

این صـحیح است که اسـلام به دلیل جامعیت، محتوای بلند، هماهنگی با فطرت و دیگر ویژگیهای خود و آورنده و آموزگاران و الگوهـای حقیقی آن امامـان نور علیهم السـلام تـاکنون به میلیونهـا دل و قلب راه یافته و آهسـته آهسـته به راه خود ادامه می دهـد، امـا سوگمنـدانه همچنان فاقـد یک قـدرت منسـجم جهانی است؛ بطوری که در هر گوشه ای از این جهان پرآشوب، هر کس می تواند به جنگ با آن بر می خیزد و بر ضد آن و پیروان آن دست به شقاوت می زند.

به «چین» یا «شوروی» یا برخی از کشورهای افریقایی و اروپایی بروید تا ترس و هراسی را که بر مسلمانان نجات یافته از تصفیه های خونین و ظالمانه سایه افکنده است، بشناسید و با ظلم و فشاری که

از هر سو زندگی آنان را احاطه کرده است، آشنا شوید.(۸۴)

در برخی از کشورها نگاه داشتن قرآن بزرگترین جرم است و نگاه دارنده آن در خور سهمگین ترین کیفرها و سخت ترین شکنجه ها.

دیگر از دهها میلیون مسلمانی که تنها به جرم ایمان به اسلام و قرآن کشته شدند چیزی مپرس.

در «چین» و «شوروی» و «یوگسلاوی» کشتارگاه های مهیب و رعب آوری برپا گردید و سیلابی از خون مسلمانان به راه افتاد.

در فلیپین هم اکنون نیز مسلمانان از انواع فشار و سرکوب و محرومیتها رنج می برند و در «ویتنام» جز خدا نمی داند که چه شمار مسلمانان بدست کمونیستها قتل عام شدند و از دهها هزار مسجدی که به اصطبل و محل نگهداری سلاح و «کنیسه» و میدان ورزش تبدیل شد دیگر مپرس و مگو...

پس چه زمانی نوید و وعده خدا تحقق یافت؟...

سؤال:

ممکن است برخی بگویند: «اسلام در «جزیره العرب» و کشورهای خاور میانه و بسیاری از دیگر کشورها بویژه در روزگار فتوحات اسلامی تمکن و اقتدار یافت... آیا این نوعی تحقق آن نوید نیست؟»

پاسخ:

صحیح است که اسلام در مقاطعی از تاریخ خویش، در قلمرو محدودی به قدرت رسید و رهبری سیاسی و اجتماعی را به کف گرفت، اما آیا براستی همین حاکمیت محدود و مقطعی، نوید مورد نظر قرآن و تحقق آن وعده شکوهمند خداست؟ اگر چنین است این شرایط که در همان عصر پیامبر تحقق یافت و اسلام بر مدینه و بخشهایی از «جزیره العرب» حاکم گردید. با این وصف معنا و مفهوم این نوید شکوه بار قرآنی چه می تواند باشد که می فرماید:

«وَعَدَ اللّهُ الّذِینَ ءَامَنُوا مِنکمْ وَ عَمِلُوا الصالِحاتِ...»

یعنی:

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند وعده داده است که آنان را در روی زمین جانشین سازد...

بنظر ما، معنای واقعی این نوید قرآنی این است که روزگاری در پیش است که بر سراسر گیتی حاکم می گردد و مسلمانان بدون هیچ هراس و دلهره ای راه و رسم مترقی و شعائر و برنامه های انسان ساز دینی خود را بر پای می دارند و در تمامی مناطق مسکونی و آباد جهان، تنها اسلام، تدبیر امور و تنظیم شئون بشریت را بدست می گیرد.

آری! این وعده شکوه بار قرآن است و این هم تاکنون، تحقق نیافته است.

معنای این آیه در پرتو روایات

امامان معصوم و آموزگاران راستین قرآن نیز در تأویل آیه مورد بحث بر این اندیشه رهنمون هستند که این وعده پرشکوه خدا تحقق نیافته و به هنگامه ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت.

بزودی در همین کتاب با روایات معتبری روبرو خواهید شد که بطور صریح و بی هیچ ابهامی این آیه قرآن را بر عصر ظهور آن حضرت و حکومت عدل و مهر او منطبق ساخته اند.

برای نمونه:

۱ از چهارمین امام نور علیه السلام آورده اند که آیه مورد بحث را، تلاوت کرد و فرمود: «بخدا سوگند که این مؤمنان شایسته کردار، شیعیان ما اهل بیت هستند و خداوند این نوید و وعده شکوه بار را بدست بزرگ مردی از ما تحقق خواهد بخشید او مهدی این امت است و کسی که پیامبر در مورد او فرمود: اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را آنقدر طولانی خواهد ساخت تا

مردی از عترت من که نـامش، نـام من است بر جهـان حکومت کنـد و زمین را همـانگونه که به هنگـام ظهور او لبریز از ظلم و جور است مالامال از عدل و داد سازد.»(۸۵)

۲ و از دو امام معصوم حضـرت باقر و حضـرت صادق علیهم السـلام نیز همین سـخن روایت شده است و آنان نیز درست همین نوید را داده اند.

مرحـوم «طبرسـی» پس از نقـل ایـن روایت می گویـد: «منظـور از مؤمنـان شایسـته کردار، پیـامبر و خانـدان اوینـد و این آیه در بردارنـده نوید حکومت عادلانه جهانی اهل بیت، اسـتقرار اقتدار آنان در سراسـر گیتی و برچیده شدن وحشت و هراس آنان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.»

و می افزایـد: «خانـدان پیامبر در مورد این واقعیت اجماع و اتفاق نظر دارنـد و روشن است که اجماع آنان هماننـد قرآن حجت است. چرا که پیـامبر گرامی (ص) فرمـود: «مردم! من از میـان شـما می روم امـا دو گوهر گرانبهـا در میـان شـما به یادگـار می گذارم: یکی کتاب خدا، قرآن و دیگری خاندانم. و این دو تا روز رسـتاخیز و ورود بر من در کنار حوض کوثر، از هم جدایی ناپذیرند.»

آنگاه می افزاید: «نوید شـکوهمند این آیه قرآن نیز که تمکن و اقتدار اهل بیت و اسـتقرار دین خدا بر روی زمین بوسـیله آنان است، وعده ای است که تاکنون تحقق نیافته است از این رو آن حضرت در انتظار دریافت فرمان ظهور از جانب خداست، چرا که خداوند در وعده اش تخلف نمی ورزد.»(۸۶)

۳- شایستگان، وارث زمین

قرآن در آیه دیگری می فرماید:

«وَ لَقدْ کتبنا فی الزَّبورِ من بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الَارْض یَرِثُهَا عِبَادِی الصالِحُونَ.» (۸۷)

ما در

زبور (و کتابهای آسمانی پیشین) پس از نوشتن در لوح محفوظ، نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث می برند.

مفسران در تفسیر این آیه، در معنای «زبور» و «ذکر» به توفق نرسیده اند؛ اما این دیدگاههای متفاوت، اختلاف جوهری نیست، چرا که معنای زبور، چه کتاب آسمانی نازل شده بر داود پیامبر باشد یا مقصود از آن جنس کتابهای آسمانی مهم نیست همچنانکه معنای «ذکر» نیز در آیه شریفه «تورات» باشد یا «قرآن» یا «لوح محفوظ» همچنانکه مفسرین گفته اند، به محتوای آیه صدمه ای نمی زند و معنای آیه اینگونه است:

«و ما در کتابهایی که بر پیامبران فرو فرستادیم یا در «زبور» که آن را به داود پیامبر نازل ساختیم، پس از نوشتن در لوح محفوظ یا تورات و یا قرآن، نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به میراث می برند.»

طبرسی و دیگران در تفسیر آیه از پنجمین امام نور علیه السلام آورده اند که فرمود:

«هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان» (۸۸)

یعنی: اینان یاران حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند.

به باور ما، موضوعی که خدای جهان آفرین در «زبور» و در ذکر نوشته است و آن را با «لقد» و «ان» دو بار، سخت، مورد تأکید قرار داده، شایسته است که موضوعی بسیار اساسی و حساس در نهایت اهمیت باشد.

صحیح است که برخی مفسران مقصود از «زمین» در آیه مبارکه را زمین بهشت دانسته و آیه را اینگونه معنا کرده اند که: «بندگان شایسته خدا، زمین بهشت را به ارث می برند.» و برخی نیز زمین مورد نظر را همین سیاره خاکی دانسته اند که سرانجام امت مسلمان آن

را با فتوحات خویش به ارث می برند.

اما این دو دیدگاه معنای ظاهری آیه است و معنای نهان و تأویل آیه شریفه این است که: «بندگان شایسته خدا بر سراسر جهان حکومت عادلانه و انسانی خویش را، برقرار خواهند ساخت.»

مرحوم «شیخ طوسی» در تفسیر آیه شریفه از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که:

«ان ذلک وعد الله للمؤمنین بانهم یرثون جمیع الارض.» (۸۹)

یعنی: این وعده قطعی خدا بر مؤمنان است که آنان تمامی زمین و زمان را به ارث خواهند برد.

این آیه مبارکه از نظر معنا، به آیه پیش شباهت دارد که می فرماید:

«لیستخلفنهم فی الارض»

در این دو آیه، چه تعبیر زیبایی به کار رفته است، تعبیر به «ارث» و «استخلاف» که «ارث» انتقال ثروت و امکانات از مرده به زنده و «استخلاف»، نیز قرار دادن یکی بجای دیگری را می گویند.

۴- گسترش اسلام در سراسر گیتی

قرآن می فرماید:

«هُوَ الّذِی أَرْسلَ رَسولَهُ بِالْهُدَی وَ دِینِ الْحَقّ ِلِیُظهِرَهُ عَلی الدِّینِ کلِّهِ وَ لَوْ کرِهَ الْمُشرِکُونَ.» (۹۰)

این آیه، در قرآن شریف سه بار آمده است و دلالت بر حساسیت موضوع می کند.

آیه دارای تفسیر و ظاهری است و دارای تأویل و نهانی.

تفسیر و ظاهر آیه این است که: خداوند پیامبرش حضرت محمد(ص) را به توحید و توحید گرایی، بندگی خدا، پرستش او و دین اسلام فرستاد تا این دین آسمانی را با قدرت و قوت به همه ادیان پیروزی بخشد و سراسر گیتی در قلمرو توحید و عدالت و تقوای مورد نظر قرآن قرار گیرد.

در آیه شریفه واژه «لیظهره» در خور تعمق است، چرا که «ظهور» در اینجا به معنای برتری کامل و روشن با چیرگی و قدرت همه

جانبه و کامل است که می فرماید:

«کیْف وَ إِن یَظهَرُوا عَلَیْکمْ لا یَرْقُبُوا فِیکُمْ إِلاّ وَ لا ذِمّهً.» (۹۱)

که معنای آیه شریفه این می شود: «دین حق، با اقتدار و شکوه پیش می رود و بر همه ادیان، برتری کامل و پیروزی همه جانبه می یابد و جهان را در سایه هدایت خویش می گیرد.

با این بیان اگر گفته شود که این وعده، تحقق یافته و اراده خداوند جامه عمل پوشید است، معنای آیه این است که: «خداوند همه دین ها و آیینها و کشیهای منحرف و بی اساس را بوسیله قرآن و پیامبر، باطل و با آمدن اسلام نفی کرد و هرگونه شرک و انحراف و زندقه و پرستش باطل را مردود شمرد و از صفحه گیتی برانداخت و جهان، جزیره توحید گرایی و مهد عدالت و آزادی و تقوا پیشگی گردید.

این معنای ظاهری آیه، آما اگر بخواهیم از تأویل آیه سخن بگوییم و در پرتو معنای نهان او راه جوییم، باید بگوییم که این وعده قطعی و تخلف ناپذیر هنوز تحقق نیافته است.

مسلمانان هنوز شمارشان حدود یک چهارم مردم جهان یا کمتر است و بر کشورهای اسلامی قوانین و مقررات غیر اسلامی حکومت می کند و مرامها و کیشهای ساختگی و دروغین، آزادانه به حیات خود ادامه می دهند.

در برخی از کشورها، مسلمانان، اقلیت پایمال شده ای هستند که فاقد قدرت و امکانات و بر سرنوشت خویش حاکم نیستند، بنابراین پیروزی کامل حق بر باطل کجاست؟

و نوید قطعی و تخلف ناپذیر «لِیُظهِرَهُ عَلی الدِّینِ کلِّهِ» چه زمانی و چگونه تحقق یافته است؟

در پرتو روایات

پیشوایان نور و امامان اهل بیت علیهم السلام در معنای

نهان و تأویل آیه، رهنمود دارند که این مربوط روزگار ظهور امام مهدی علیه السلام است که بی تردید تحقق خواهد یافت.

اینک نمونه هایی از روایات در تأویل آیه شریفه:

۱ در تفسیر آیه مورد بحث، از امیرمؤمنان علیه السلام آورده اند که این آیه شریفه را تلاوت کرد که: «هُوَ الّذِی أَرْسلَ رَسولَهُ بِالْهُدَی وَ دِینِ الْحَقّ ِ لِیُظهِرَهُ عَلی الدِّینِ کلِّهِ.» آنگاه فرمود: «اظهر ذلک بعد؟»

«قالوا: نعم!

قال علیه السلام: کلا، فوالذین نفسی بیده حتی لاتبقی قریه الا وینادی فیها بشهاده ان لا له الا الله بکره وعشیا.» (۹۲)

فرمودند: «آیا این نوید پیروزی تحقق یافته است؟»

پاسخ دادند: «آری»

آن حضرت فرمود: «هرگز بخدایی که جانم در کف قدرت اوست با تحقق این وعده، هیچ شهر و دیاری نمی ماند جز اینکه در آن ندای یکتایی و عظمت خدا بامدادان و شامگاهان طنین می افکند.»

۲ در تفسیر برهان روایت کرده است که فرمود:

«فلا، والذی نفسی بیده حتی لا تبقی قریه الا و نودی فیها بشهاده ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله بکره وعشیا.» (۹۳)

یعنی: بخدایی که جانم در کف قدرت اوست هیچ شهر و دیاری نمی ماند جز اینکه در آن ندای یکتایی خدا و رسالت محمد(ص) بامدادان و شامگاهان در آن طنین می افکند.

۳ و نیز از ابن عباس آورده اند که در مودر این جمله از آیه: «لِیُظهِرَهُ عَلی الدِّینِ کلِّهِ و...» گفت:

«لا-یکون ذلک حتی لا-یبقی یهودی و لا- نصرانی و لا صاحب مله الا صار الی الاسلام، حتی تاءمن الشاه و الذئب و البقره و الاسد و الانسان و الحیه، حتی لاتقرض فاره جرابا و حتی توضع الجزیه و یکسر

الصلیب و یقتل الخنزیر و هو قوله تعالی: لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون و ذلک یکون عند قیام القائم علیه السلام» (۹۴)

یعنی: بخدای سوگند چنین نخواهد شد تا مگر روزگاری که یهودیان و مسیحیان و پیروان دیگر مرامها و مسلکها، به اسلام ایمان آورند. گرگ و گوسفند و شیر درنده و انسان و مار گزنده، نسبت به هم احساس امنیت نمایند، نه گرگ گوسفند را بدرد و نه گوسفند از آن بهراسد. روزگاری که دیگر موشی کیسه ای را پاره نکند و فساد و تباهی روی ندهد. زمانی که جزیه ها الغا گردد و صلیبها شکسته شود.

آری! این معنای آیه شریفه است که می فرماید: «لِیُظهِرَهُ عَلی الدِّینِ کلِّهِ.»

و آنگاه تأکید کرد که این وعده الهی تنها با قیام حضرت مهدی علیه السلام و استقرار دولت مهر و عدل او در جهان تحقق خواهد یافت.

۴ و نیز از «ابوفضیل» آورده اند که: از امام کاظم علیه السلام از مفهوم پیام و معنای آیه پرسیدند که می فرماید: «هُوَ الَّذِی أَرْسلَ رَسولَهُ بِالْهُدَی وَ دِینِ الْحَقّ ِلِیُظهِرَهُ عَلی الدِّینِ کلِّهِ...»

«قال علیه السلام: «هو امر الله رسوله بالولایه و الوصیه. و الولایه هی دین الحق.

قلت: لِیُظهِرَهُ عَلی الدِّینِ کلِّهِ؟

قال علیه السلام: یظهره علی جمیع الادیان عند قیام القائم علیه السلام» (۹۵)

یعنی حضرت فرمودند: «خداوند پیامبر خدا را به ولایت و وصیت و معرفی جانشینان خود، فرمان می دهد و دین حق در آیه شریفه، ولایت است، یعنی ولایت امامان معصوم.»

پرسیدم: «سرورم! معنای «لِیُظهِرَهُ عَلی الدِّینِ کلِّهِ» چیست؟»

فرمود: «خدا دین خویش را با قیام «قائم» بر همه کیشها و دینها و، پیروزی کامل می

بخشد.»

۵ «قندوزی حنفی» از امام صادق علیه السلام در معنای آیه شریفه روایتی آورده است که می فرماید:

«والله ما یجی ء تأویلها حتی یخرج القائم المهدی علیه السلام فاذا خرج لم یبق مشرک الا کره خروجه و لا یبقی کافر الا قتل...» (۹۶)

یعنی: به خدای سوگند معنای نهان و تاءیل آیه شریفه تحقق نمی یابد، مگر هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند و هنگامی که او ظهور کرد بقایای شرک گرایان از ظهور او ناخرسند می گردند و کافران حق ستیز به کیفر گناه خود می رسند...

۶ مرحوم «علامه مجلسی» از ابی بصیر آورده است که: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه پرسیدم که، «هُوَ الَّذِی أَرْسلَ رَسولَهُ بِالْهُدَی وَ دِینِ الْحَقّ ِلِیُظهِرَهُ عَلی الدِّینِ کلِّهِ وَ لَوْ کرِهَ الْمُشرِکُونَ.»

«قال علیه السلام: و الله ما انزل تأویلها بعد.

قلت: جعلت فداک و متی انزل؟

قال علیه السلام: حتی یقوم القائم ان شاء الله فاذا خرج القائم لم یبق مشرک.» (۹۷)

یعنی: حضرت فرمودند: «بخدا سوگند! تأویل و معنای نهان آن هنوز نیامده و تحقق نیافته است.»

گفتم: «فدایت گردم! چه زمانی فرود می آید؟»

فرمود: «زمانی که «قائم آل محمد(ص») به اراده الهی قیام کند و زمانی که آن حضرت قیام کند دیگر از شرک و شرک گرایی اثری نمی ماند و دین حق همه دلها را نور باران می سازد...»

و بدینسان به همین اندازه، از آیاتی که پیرامون وجود گرانمایه آن حضرت تأویل شده است بسنده می شود، اما یادآوری می گردد که ما تنها شماری اندک از آیات را ترسیم نمودیم چرا که آیات شریفه قرآن در این مورد به گونه ای

که در روایات آمده است، بسیار است و علامه معاصر جناب «سید صادق شیرازی» در کتاب خویش «المهدی فی القرآن» ۱۰۶ آیه، تنها از مصادر و منابع اهل سنت در مورد امام مهدی علیه السلام گرد آورده است و اگر ما بخواهیم همه آیات را بیاوریم سخن طولانی می گردد.

بشارات و اشارات از قرآن

برگرفته از آثار مرحوم آیه الله سید رضا صدر

* * * * *

۱ (أَتی أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَستَعْجِلُوهُ) (۱۰)

آیه شریفه در حضور حضرت صادق علیه السّلام تلاوت شد؛ فرمود: اشارتی است به قیام قائم. امر، امر ماست و آن قیام قائم ما آل محمد است. خدا با ما امر فرموده است عجله نکنیم. و این بار را بر دوش دارد، وقتی که سه گونه لشکر برایش آماده شود؛ ملائکه و فرشتگان، مؤمنان و رعب. خروج او مانند خروج رسول خدا از مکه خواهد بود و آن کلام خداست:

(کَمَا أَخْرَجَک رَبُّک مِن بَیْتِک بِالْحَقِّ) (۱۱)

۲ (فَفَرَرْت مِنکُمْ لَمَّا خِفْتُکُمْ فَوَهَب لی رَبی حُکْماً وَ جَعَلَنی مِنَ الْمُرْسلِینَ) (۱۲)

«حضرت صادق فرمود: وقتی که قائم قیام کند، مردم را مخاطب قرار داده و این آیه را تلاوت خواهد کرد». (۱۳)

۳ (فَلَمَّا أَحَسوا بَأْسنَا إِذَا هُم مِّنهَا یَرْکُضونَ). (۱۴)

جابر در باره این آیه از حضرت باقر می پرسد. حضرتش می فرماید:

«آن وقتی است که قائم قیام کند». (۱۵)

اسماعیل بن جابر درباره این آیه از حضرت صادق علیه السّلام بیان خواهد، حضرت می فرماید:

(فَلَمَّا أَحسوا بَأْسنَا (چون عذاب ما را احساس کردند) یعنی خروج و قیام قائم علیه السّلام را، اذاهم منها یرکصون (در این وقت آنان رو به فرار گذاشتند) یعنی از گنجهایی که اندوخته بودند، (قَالُوا یَوَیْلَنَا إِنَّا

كُنَّا ظٰلِمِينَ فَمَا زَالَت تِّلْكَ دَعوَاهُمْ حَتى جَعَلْنَهُمْ حَصِيداً) (۱۶) (گفتند وای بر ما که ستمگر بودیم و ادعایشان همین بود تا آنها را درو کردیم) به وسیله شمشیر خامدین، دیده ای که بیند از آنان نماند. (۱۷)

۴ (أَنَّ الاَرْض يَرِثُهَا عِبَادِى الصلِحُونَ) (۱۸) حضرت باقر علیه السّلام فرمودند: «عباد صالح، یاران و اصحاب مهدی در آخر الزمان هستند». (۱۹)

۵ (أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصرِهِمْ لَقَدِيرٌ) (۲۰) حضرت باقر فرمود: «این درباره قائم و اصحاب اوست». (۲۱)

۶ (الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّهمْ فى الاَرْضِ أَقاموا الصلَوةَ وَ ءَاتَوُا الزَّكوةَ) (۲۲) حضرت باقر علیه السلام فرمود: این آیه درباره مهدی آل محمد و اءصحاب اوست. خداوند، آنها را مالك شرق و غرب زمین قرار می دهد و به وسیله مهدی، دین را آشکار می سازد و خداوند به وسیله مهدی و اصحابش بدعتها و باطلها را می میراند، همچنان که سفیهان حق را می راندند.

دیگر اثری از ظلم و جور باقی نخواهد ماند. آنان به معروف و نیکوکاری امر می کنند و از منکر و زشتکاری نهی می کنند. و پایان کارها از آن خداست. (۲۳)

۷. (إِن نَّشأْ نُنَزِّلْ عَلَيهِم مِّنَ السمَاءِ ءَايَةً فَظَلَّت أَعْنَقُهُمْ لهَا خَضِعِينَ) (۲۴)

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «این آیه درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده که منادی از آسمان به نام او ندا می کند». (۲۵)

۸. (وَ لَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الاَدْنى دُونَ الْعَذَابِ الاَكْبرِ) (۲۶)

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: «عذاب ادنی گرانی باشد و عذاب اکبر مهدی است که قائم بالسیف است». (۲۷)

۹. (وَ قَالُوا ءَامَنَّا بِهِ... وَ قَدْ كفَرُوا بِهِ مِن قَبْلُ).

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: (وَ قَالُوا ءَامَنَّا) یعنی: آوردیم به قیام قائم. (وَ قدْ کفرُوا بِهِ مِن قَبْلُ) یعنی: و همانا قبلا کافر شده بودند به قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله. (۲۹)

(فَاصبرْ عَلی مَا یَقُولُونَ) (۳۰)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «خطاب الله به رسول خداست که در برابر تکذیب کنندگانش شکیبا و صبور باشد و من به وسیله مردی که از توست از آنان انتقام خواهم گرفت و او قائم من است که او را بر خونهای ظالمان مسلط کرده ام». (۳۱)

۱۰ (سنرِیهمْ ءَایَتِنَا فی الاَفَاقِ وَ فی أَنفُسِهِمْ حَتی یَتَبَینَ لَهُمْ أَنَّهُ الحقُّ...) (۳۲)

حضرت صادق علیه السّلام حق را به قائم علیه السّلام تفسیر فرمود. (۳۳)

۱۱ (وَ لَمَنِ انتَصرَ بَعْدَ ظلْمِهِ فَأُولَئک مَا عَلَیهِم مِّن سبِیلٍ) (۳۴)

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: «او قائم است؛ هنگامی که قیام کند، بر بنی امیه و بر تکذیب کنندگان و بر ناصبان پیروز خواهد شد». (۳۵)

۱۲ (خَشِعِینَ مِنَ الذُّلِّ یَنظرُونَ مِن طرْفٍ خَفِی) (۳۶)

۱۳ (هَلْ یَنظرُونَ إِلا الساعَةَ أَن تَأْتِیَهُم بَغْتَةً) (۳۷)

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: آن ساعت، ساعت قیام قائم است که ناگهان ظهور می کند.

۱۴ (فَوَ رَب السمَاءِ وَ الاَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ) (۳۸)

حضرت سجاد علیه السّلام فرمود: «مقصود از حق، قیام قائم است». (۳۹)

۱۵ (اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یحْیِ الاَرْض بَعْدَ مَوْتهَا) (۴۰)

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «مرگ زمین، کفر اهل زمین است و کافر، مرده محسوب می شود و خدا زمین را به وسیله قائم زنده می کند و در میان زمینیان به عدل حکم می کند، پس زمین و اهل آن را بعد از مرگشان زنده می کند». (۴۱)

۱۶ (لِیُظهِرَهُ

عَلی الدِّینِ کلِّهِ وَ لَوْ کرِهَ الْمُشرِکُونَ). (۴۲)

حضرت صادق علیه السّلام «این، هنگام قیام قائم است و وقتی خروج کند، هر کافر و مشرکی خروج او را کراهت دارد. (۴۳)

۱۷ (فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ- الجَوَارِ الْکُنَّسِ) (۴۴)

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «قائم در سال ۲۶۰ خودش را نهان می دارد، سپس مانند شهاب ثاقب در شب تاریک ظهور می کند» (۴۵)

۱۸ (وَ الشمسِ وَ ضحاها- وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا- وَ النهَارِ إِذَا جَلَّاهَا) (۴۶)

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: «شمس، امیرالمؤ منین است و تابش آن، قیام قائم است و قمر، حسن و حسین هستند و النهار، قیام قائم است». (۴۷)

۱۹ (وَ الَّیْلِ إِذَا یَغْشی -وَ النهَارِ إِذَا تجَلی) (۴۸)

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: «لیل، حکومت ابلیس و نهار قیام قائم است». (۴۹)

۲۰ (وَ مَن قُتِلَ مَظلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِیِّهِ سلْطناً فَلا یُسرِف فی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنصوراً) (۵۰)

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: «مقتول مظلوم، حسین است و مراد از منصور، قائم است که خدا مهدی را منصور نام داده است؛ چنانچه رسول خدا را احمد و محمد و محمود خوانده و عیسی را مسیح». (۵۱)

۲۱ (أَیْنَ مَا تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً) (۵۲)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «این آیه درباره اصحاب قائم نازل شده است. آنها شب در بسترهاشان نیستند و در مکه صبح می کنند و برخی با ابر حرکت می کنند». (۵۳)

قرآن و مسئله حکومت جهانی

برگرفته از آثار: حجه الاسلام محمد محمدی اشتهاردی

* * * * *

می پرسند:

اگر حکومت جهانی مهدی (عج) سراسر جهان را فرا خواهد گرفت، و پرچم اسلام و توحید در همه نقاط زمین به اهتزاز در می آید، آیا در قرآن مجید

این سند محکم و بزرگ و خلل ناپذیر اسلام، سخنی در این باره به میان آمده است؟

پاسخ:

آیات متعددی که تأویل آن تطبیق با حضرت ولی عصر(عج) شده، بسیار است (در این باره به بحار، طبع جدید، ج ۱۵۱ از ص ۴۴ به بعد مراجعه گردد)، به عنوان نمونه:

۱- در قرآن کریم می خوانیم:

«او خدائی است که رسولش را با دلائل رهنمون بخش فرستاد تا آن را بر تمام دینها غالب گرداند هر چند این موضوع خوش آیند مشرکان نیست.» (۳)

این آیه صریحا نوید می دهد که روزی خواهد آمد که آئین اسلام همه ادیان و مرامها را تحت الشعاع خود قرار می دهد و سراسر جهان زیر لوای اسلام قرار می گیرد، که منظور همان وقتی است که حضرت مهدی (عج) در سراسر جهان حکومت واحد اسلامی تشکیل می دهد.

۲- در سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ می خوانیم:

«یقینا (بدانید که) ما در زبور (کتاب حضرت داود علیه السلام) نوشتیم پس از آنکه این مطلب را در ذکر (تورات) نیز نوشته بودیم که: حتما بندگان صالح وارث زمین می شوند.» (۴)

این آیه حاکی است که در کتابهای آسمانی زبور و تورات و قرآن موضوع حکومت انسانهای شایسته بر سراسر زمین نوشته شده است، روشن است که وعده خدا حق است، روزی خواهد آمد که بندگان صالح که از نظر قرآن، مسلمین راستیم هستند حکومت واحد صالحان را بر همه نقاط زمین برقرار می سازند، که اشاره به حکومت حضرت مهدی (عج) است.

۳- در سوره نور، آیه ۵۵ می خوانیم:

«خداوند با آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته می کنند وعده داده که آنان را نماینده «خود» در زمین

گرداند همانگونه که گذشتگان آنان را خلیفه کرد وعده داده که دینشان را که برای آنها پسندیده، نیرومند گرداند و ترسشان را مبدل به امنیت و آرامش کند، و برای من شریک نمی گیرند. (۵)

این آیه بیانگر حکومت واحد بر سراسر زمین است به آنانکه ایمان و عمل صلاح دارند (یعنی منتظر واقعی هستند و با ایمان نیک خود زمینه سازی برای ایجاد آینده درخشان می کنند) نوید می دهد که خداوند حکومت زمین را بدست آنها می سپرد، دین آنها نیرومند و قوی می گردد، و در نتیجه آرامش و امنیت جانشین خوف و ناآرامی می شود.

در پایان آیه اشاره به این مطلب می کند که حکومت آنها بر سراسر زمین براساس توحید و پرستش خدای یکتا و نفی هر گونه شرک است.

چنانکه در حدیثی پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم در مورد عقائد این حکومت واحد سراسری فرمود:

«فلا یبقی علی وجه الارض احدا الا قال لا اله الا اللّه؛»

«هیچ فردی روی زمین نمی ماند مگر اینکه معتقد است خدائی جز خدای یکتا وجود ندارد.» (۶)

به این ترتیب می بینیم قرآن این کتاب آسمانی نیز به حکومت درخشان و سراسر توحید آینده که همه مرم تحت پرچم توحید قرار گرفته و مردم صالح زمام امور را بدست می گیرند خبر می دهد.

۴- قرآن پس از ذکر فرعون و فرعونیان در این آیه می فرماید:

«وَ نُرِیدُ أَن نَّمُنّ عَلی الّذِینَ استُضعِفُوا فی الأَرْضِ وَ نجْعَلَهُمْ أَئمّهً وَ نجْعَلَهُمُ الْوَرِثِینَ *» (۷)

«ما بر این اراده کردیم که به مستضعفان نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم.»

این آیه گر چه

در مـاجرای موسـی علیـه السـلام و فرعـون نـازل شـده کـه خداونـد موسـی علیـه السـلام را بر فرعـون و فرعونیـان پیروز کرد و مستضـعفان را به رهبری موسـی علیه السـلام به حکومت رسانید، ولی این آیه هرگز مربوط به زمان خاص موسـی علیه السـلام نیست بلکه یـک بشـارت عمومی است در مورد پیروزی حق بر باطـل، که سـرانجام این پیروزی بطور جـامع و کامـل و جهانی بدست مهدی آل محمد صـلی اللّه علیه و آله و سـلم صورت می گیرد، چنانکه در روایات به این مطلب تصریح شده، و مهدی (عج) و پیروانش به موسی علیه السلام و پیروانش تشبیه شده اند و در روایت می خوانیم، امام سجاد علیه السلام فرمود:

«سوگنـد به کسـی که محمد صـلی اللّه علیه و آله و سـلم را به حق بشارت دهند و بیم دهنده قرار داد، نیکان ما همانند موسـی علیه السلام و پیروانش هستند و بدان ما همانند فرعون و پیروانش می باشند.» (۸)

و امام علی علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود:

«این گروه آل محمـد صـلی اللّه علیه و آله و سـلم، خداونـد مهـدی آنهـا را بعـد از زحمت و فشـاری که بر آنان وارد می شود برانگیزد و به آنان عزت می دهد و دشمنان آنان را ذلیل و خوار می کند.» (۹)

قرآن کریم و نشانه های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

آنچـه در قرآن کریم از طرف خداونـد بزرگ به وسـیله رسـول اکرم صـلی الله علیه و آله به مـا رسـیده واجب الاطـاعه است و کوچکترین تردیـدی دربـاره آن نبایـد داشت، چرا که از منبع علم خداونـدی سرچشـمه گرفته است. از جمله بشارتهایی که در قرآن مجید در ضمن آیاتی داده شده مساءله قیام

جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء و سیطره عدل و داد در عالم بعد از پر شدن آن از ظلم و جور است که مرحوم علامه نوری در مقدمه کتاب شریف «کشف الاءستار» ادعای تواتر، از فریقین (شیعه و سنی) فرموده است و این نتیجه به دست می آید که باید ظلم و تباهی از سرتاسر جهان محو گردد و جهان از عدالت پر شود، نه اینکه به خیال خام بعضی از نویسندگان، عدالت در حکومت حضرت مهدی سلام اللّه علیه تغلیبی باشد و همچنان افراد شرور، کم یا زیاد، در اجتماع دیده شوند. خیر، طبق نص صریح آیات قرآن و تفاسیر رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت سلام اللّه علیهم اجمعین پس از پر شدن عالم از ظلم و جور، قسط عدل بر آن حاکمیت خواهد یافت و همان گونه که عرض شد در این زمینه بزرگان مذهب نظیر علامه نوری و دیگران نیز دعوی تواتر نموده اند. بنابراین، دیگر جایی برای عدالت تغلیبی و طرفداران آن نمی ماند.

نشانه های پیدایش این حکومت

سنرِیهِمْ آیاتِنَا فی الاَفَاقِ وَ فی أَنفُسِهِمْ حَتی یَتَبینَ لَهُمْ أَنّهُ الحَقّ أَ وَ لَمْ یَکْفِ بِرَبِّک أَنّهُ عَلی کلّ ِ شی ءٍ شهِیدٌ. (۱)

بزودی آیات و نشانه هایی از قدرت خود را در صحنه گیتی و در (کشور) وجودشان بدانها نشان خواهیم داد، تا بر آنها آشکار شود که حق است.

ممکن است نشانه های آفاقی همان صیحه آسمانی باشد و منظور از آیات انفسی همان رعب و ترس باشد که در دلها جای می گیرد.

خوانند عزیز!

تا این ساعت چنین علائم و نشانه هایی که برای بشر تمام مجهولات را

از بین ببرد و پرده از روی حقایق و ملکوت عالم بردارد به نحوی که حق آشکار و باطل نابود شود، در صحنه گیتی دیده نشده است و با توجه به اینکه خداوند خلف وعده نخواهد فرمود و حتما باید این کار بشود، غیر از قیام آخرین نماینده و سفیر اعظم او حضرت بقیه الله روحی و ارواح العالمین له الفداء نشانه دیگری نخواهد بود.

وَ لَنَبْلُوَنَّكُم بِشى ءٍ مِّنَ الخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الأَمْوالِ وَ الأَنفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشرِ الصابِرِينَ. (۲)

و هر آینه شما را به وسیله ترس و گرسنگی و نقص در مالها و جانها و میوه ها می آزماییم، و صبر کنندگان را بشارت ده.

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که پیش از قیام مهدی ما سلام اللّه علیه مردم به انواع بلاها مبتلا می شوند و موفقیت با صابران است.

به طور خلاصه علائم و نشانه های قبل از ظهور در این روایات عبارت است از:

۱. وحشت و اضطرابی که در حال حاضر در میان مردم بعضی از کشورهای اسلامی دیده می شود.

۲. گرسنگی و قحطی که در بعضی کشورهای جهان مشهود است و به طور متوسط روزانه چند صد هزارتن از گرسنگی می میرند (مانند بعضی از قسمتهای افریقا و هندوستان).

۳. فساد در تجارت و بازرگانی و کمبود درآمد بعضی از اقشار جامعه که به ویژه در ایران ما مشهود است.

۴. تلفات جانی مانند تلفات در جنگ ایران و عراق و نقصان زراعت و میوه جات ناشی از آفات و کمی برکت آنها.

اکنون به اصل روایت که از امام صادق عزیز ما – که

سلام خداوند بر ایشان باد – نقل کرده اند، توجه فرمایید:

عن محمد بن مسلم عن ابی عبدالله جعفر بن محمد علیهما السلام اءنه قال ان قدام قیام القائم علامات بلوی من الله تعالی لعباده المؤ منین قلت و ما هی قال ذلک قول الله عزوجل «وَ لَنَبْلُوَنَّکُم بِشیء مِّنَ الخَوْفِ وَ الْجُوع وَ نَقْصٍ مِّنَ الأَمْوالِ وَ الأَنفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشرِ الصابِرِینَ.» قال لنبلونکم (یعنی المؤ منین) بشی ء من الخوف من ملوک بنی فلان فی آخر سلطانهم (والجوع) بغلاء اسعارهم (و نقص من الاموال) فساد التجارات و قله الفضل فیها (والانفس) قال موت ذریع (والثمرات) قله ریع ما یزرع و قله برکه الثمار (و بشر الصابرین) عند ذلک بخروج القائم علیه السّلام ثم قال لی یا محمد هذا تأویله ان الله عزوجل یقول «و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم (۳)». (۴)

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که امام فرمودند: پیش از قیام قائم نشانه هایی است جهت آزمایش از جانب خداوند نسبت به بندگان مؤمنش. عرض کردم: آن نشانه ها چیست؟ فرمود: آن، گفتار خداوند عزوجل است که فرمود:«و لنبلونکم بشی ء». فرمود: «لنبلونکم»یعنی هر آینه بیازماییم شما مؤمنان را «بشی ء من الخوف»به مقداری و چیزی از ترس از ملوک بنی فلان (بنی عباس) در پایان زمامداریشان و«الجوع»و گرسنگی به خاطر بالا بودن قیمتها «و نقص من الاموال» و کاستی از مالها (یعنی) فساد تجارتها «والانفس»و جان ها (یعنی) مرگ سریع «والثمرات» و محصولات (یعنی) کم شدن کشاورزی و کمبود برکت محصولات «و بشرالصابرین» (یعنی) بشارت ده صابران را در چنین وقت

به خروج قـائم علیه السّـلام. سـپس به من فرمود: ای محمـد! این است تأویـل قول خداونـد عزوجـل که می فرمایـد: «و مـا یعلم تأویله...» (یعنی) نمی داند تأویل قرآن را جز خداوند و پایداران در دانش.

ان الله قادر علی ان ینزل آیه. (۵)

به درستی که خداوند (تبارک و تعالی) قادر است که نشانه ای فرو فرستد.

در تفسیر این آیه به چند نشانه از نشانه های ظهور حضرت ولی عصر علیه السّلام اشاره شده است:

۱. خروج دابه الارض (۶)

۲. دجال

۳. نزول عیسی بن مریم علیه السّلام

۴. طلوع خورشید از مغرب

و اینک اصل روایت:

فی روایه ابی الجـارود: عن ابی جعفر علیه السّـلام فی قوله «ان الله قـادر علی ان ینزل آیه» و سـیریک فی آخر الزمان آیات منها دابه الارض و الدجال و نزول عیسی بن مریم و طلوع الشمس من مغربها. (۷)

ابی الجارود می گوید: امام باقر علیه السّـلام در تفسیر آیه «ان الله قادر الخ»فرمودند: زود است که در آخر الزمان آیات و نشانه هایی از قدرت خداوند می بینی:

۱. دابه الارض (که منظور تشـریف فرمایی حضـرت امیرالمؤمنین علیه السّـلام در رجعت و یا حضـرت بقیه الله روحی له الفـداء است).

۲. دجال.

۳. نزول حضرت عیسی بن مریم از آسمان.

۴. طلوع خورشید از مغرب.

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلی أَن یَبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذَاباً مِّن فَوْقِکُمْ أَوْ مِن تحْتِ أَرْجُلِکُمْ أَوْ یَلْبِسکُمْ شِیَعاً وَ یُذِیقَ بَعْضکم بَأْس بَعْضٍ. (۸)

بگو او تواناست که بر شـما عـذابی از بالای سـر و زیر پاهای شـما بر انگیزد یا اینکه شـما را از گروههای غیر متحد قرار دهد و آسیب برخی را به برخی دیگر بچشاند.

در این آیه به بعضی از علائم ظهور

اشاره شده است:

۱. خروج دجال.

۲. صیحه آسمانی.

۳. خسف و فرورفتن در زمین «بیداء». گویا مقصود لشکر سفیانی باشد.

۴. اختلاف مردم در دین و طعن و شتم یکدیگر کردن و کشتار بعضی به وسیله افراد دیگر در حالتی که همه آنها خودشان را مسلمان می دانند.

و اما روایتی که در این باب رسیده است:

عن ابی جعفر علیه السّلام فی قوله تعالی «قل هو القادر علی الخ» قال هو الدجال و الصیحه «او من تحت ارجلکم» و هو الخسف «اویلبسکم شیعا» و هو اختلاف فی الدین و طعن بعظکم علی بعض «و یذیق بعضکم باءس بعض» و هو ان یقتل بعضکم بعضا و کل هذا فی اهل القبله. (۹)

از ابی جعفر (امام باقر) علیه السّلام در فرموده خداوند متعال:«قل هو القادر علی...»منقول است که فرمودند: آن دجال و صیحه است (عذاب آسمانی و از بالا) و مراد از«او من تحت ارجلکم»عبارت از خسف و فرورفتگی زمین است و مراد از«اویلبسکم شیعا»اختلاف در دین و طعن به یکدیگر زدن است و منظور از«یذیق بعضکم باءس بعض » کشتن بعضتان است بعضی دیگر را، و تمام این حوادث در میان اهل قبله و مسلمانان به وقوع می پیوندد.

قُلْ أَ رَءَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَياتاً أَوْ نَهاراً مّا ذَا يَستَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ. (۱۰)

بگو آیا دیدید که اگر عذاب الهی شب هنگام و یا روز بر شما برسد (چه راه گریزی دارید؟) چرا گناهکاران (به جای توبه) عذاب را به تعجیل می طلبند؟

از امام باقر علیه السّلام نقل شده که فرمودند: مراد از عذاب در این آیه بلاهایی است که در آخرالزمان بر مردم نازل می شود (البته بر مردم مسلمان).

وَ

لَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلا فَوْت وَ أَخِذُوا مِن مّكانٍ قَرِيبٍ. (۱۱)

و اگر تو سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسان هستند پس هیچ فرار و گذشتی نیست و از مکان نزدیکی دستگیر شوند.

از حضرت باقر علیه السّلام نقل کردند در تفسیر این آیه شریفه که در مقدمه قیام جهانی حضرت مهدی ارواحنا له الفداء صیحه ای از آسمان بلند می شود که همه مردم در هر حالی که هستند این صدا را می شنوند و در زمین بیداء لشکریان سفیانی به زمین فرو خواهند رفت که جمعیت آنها طبق روایات رسیده که بعدا ذکر خواهد شد در حدود سیصد هزار نفر است. و اما اصل روایت:

عن ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی «ولو تری اذا فزعوا فلا فوت» قال من الصوت و ذلک صوت من السماء. (۱۲)

ابی جارود از امام باقر علیه السّلام در مورد این قول خدای تعالی که می فرماید «ولو تری اذا فزعوا فلا فوت»، روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: این از صدای آسمانی (صیحه) است.

سأَلَ سائلُ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ. (۱۳)

سائلی از عذابی که وقوع آن حتمی است سؤال نمود.

از حضرت باقر علیه السّلام در رابطه با این آیه مبارکه سؤال کردند که منظور از این عذاب چیست؟ فرمودند:

نار تخرج من المغرب و ملک یسوقها من خلفها حتی یاءتی من جهه دار بنی سعد ابن همام عند مسجدهم فلا تدع دارا لبنی امیه الا احرقتها و اهلها و لا تدع دارا فیها و ترلال محمد الا احرقتها و ذلک المهدی علیه السّلام. (۱۴)

عذاب در اینجا آتشی است که از طرف مغرب شعله

ور می شـد و پادشـاهی آن را رهبری می کنـد و تمـام خـانه هـای بنی امیه و همه غاصـبان حقوق اهل بیت را آتش می زنـد و مخصوصا از بنی امیه آثاری باقی نخواهد گذاشت و اوست مهدی آل محمد (سلام اللّه علیه و عجل الله له الفرج).

علامه مجلسی می فرماید: این جریان یا از علائم ظهور است و یا در وقت ظهور واقع می شود.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹